

# دنیای هزار توی

## معلمی

مرجان زارع هرفته



### برای کشف تفاوت‌های بین دانش‌آموزانتان چه کارهایی می‌کنید؟

اول سال با خانواده‌ها در مورد روحیه فرزندشان، رفتارشان در خانه و اینکه چه چیزی به او آرامش می‌دهد، صحبت می‌کنم. این تعامل در طول سال کمک می‌کند، باتوجه به موضوعات مختلف فعالیت‌های متفاوتی برای بچه‌ها در نظر بگیرم. این فعالیت‌ها شامل قصه‌گویی، نمایش خلاق، پروژه‌های مختلف علوم، مهارت‌های اخلاقی و... است. از این طریق کم‌کم متوجه توانایی‌های هرکدام می‌شوم. فعالیت‌های گروهی نیز در کشف توانایی‌های دانش‌آموزان موثر است. برای مثال، در نمایش خلاق نقش بچه‌ها را باتوجه به توانایی‌هایی که دارند، مشخص می‌کنم تا نوآموزان علاوه بر تجربه هم‌کاری با مشاهده نتیجه کار، نقاط قوت‌شان تقویت شود.

### در کلاس شما چه چیز باعث می‌شود دانش‌آموزان به سمت کارهایی که دوست دارند، بروند؟

بچه‌ها توانایی‌ها و ضعف‌هایی دارند. از آنجا که بیشتر خانواده‌ها توقع دارند یک دانشمند در خانه داشته باشند، اکثر بچه‌ها این احساس را نسبت به خودشان دارند که ما ضعیف هستیم و از پس همه کارها بر نمی‌آییم. اما وقتی به نقاط قوتشان توجه می‌کنم ناخودآگاه ضعف‌ها کم‌رنگ می‌شود. انجام فعالیت‌های مختلف براساس توانایی‌های هرکدام از بچه‌ها، شناخت آن‌ها را نسبت به توانمندی‌های خودشان بالا می‌برد.

### برخورد شما با دانش‌آموزی که به هردلیلی نخواهد با کلاس همراه شود و یا درس‌ها و فعالیت‌های داده شده را پیگیری نکند، چگونه است؟

اول مشکل را ریشه‌یابی می‌کنم، با خانواده‌اش تماس می‌گیرم تا متوجه شوم آیا در خانه هم همین رفتار را دارد یا نه. در این صورت با کمک خانواده مشکل را حل می‌کنم. اما اگر، مشکل در کلاس باشد، یا با من ارتباط

هرسال دانش‌آموزان با افکار، توانایی‌ها و شخصیت‌های منحصر به خود، سال تحصیلی را آغاز می‌کنند. هر سال معلم نیز با دنیایی از تفاوت‌ها روبه‌رو می‌شوند که پرداختن به آن‌ها کار آسانی نیست. در این شماره پای صحبت معلمانی از مجموعه خودمان می‌نشینیم تا ببینیم با این دنیای هزار توی معلمی و دانش‌آموزی چه می‌کنند؟ چگونه با دانش‌آموزانشان ارتباط برقرار می‌کنند؟ چگونه مشکل دانش‌آموزان با رفتارهای خاص را حل می‌کنند؟ چگونه معلمی می‌کنند؟

مهديه السادات ابطحي  
پيش دبستان ناحيه ۱

### با چه عنوانی سر کلاس حاضر می‌شوید؟ (معلم، دوست، تسهیل‌گر، دانش‌آموز یا...)

معلم می‌تواند به گونه‌ای باشد که بچه‌ها او را به عنوان یک دوست خوب قبول داشته باشند. به این صورت بچه‌ها احساسات و نیازهای خود را راحت‌تر بیان می‌کنند، معلم هم می‌تواند بچه‌ها را بهتر بشناسد و متوجه تفاوت‌هایشان شود. این انتخاب من است.

### دوست شدن با بچه‌ها کار آسانی است؟

فکر می‌کنم هرکس ارتباط با بچه‌ها را تجربه کرده باشد، می‌داند دوستی با آن‌ها کار آسانی نیست؛ ولی ممکن است. اولین قدم جلب اعتماد بچه‌ها است و لبخند زدن، پلی برای این ارتباط است. من همیشه با لبخند به استقبال بچه‌ها می‌روم، گاهی دستشان را می‌گیرم و باهم قدم می‌زنیم، زمانی را برای درد دل و صحبت از اتفاقاتی که افتاده در نظر می‌گیرم، با آن‌ها هم‌دردی و در حد توان کمکشان می‌کنم. گاهی یک بازی مناسب با پیشنهاد آن‌ها انتخاب می‌کنم و هم‌بازی‌شان می‌شوم. به‌طور کلی سعی دارم شنونده خوبی برای کنجکاو، هیجانانگیز و احساسات‌آمیز آن‌ها باشم و به علایق بچه‌ها توجه نشان دهم. در حین این ارتباط دوستانه برای شخصیت آن‌ها احترام قائل می‌شوم تا دانش‌آموزان نیز با درک احترام متقابل به جایگاه و خواسته‌های معلم اهمیت دهند.

چون می دانم تا بچه ها شاد نباشند، هیچ آموزشی اتفاق نمی افتد.

برقرار نکرده باشد، پس هر جور شده سعی می کنم از طریق کلام، فعالیت های مختلف و یا مسئولیت دادن، به او نزدیک شوم. گاهی دلیل هم کاری نکردن، نداشتن اعتماد به نفس است. در این صورت فرصت های مختلف برای او ایجاد می کنم تا در جایی بتواند خودش را نشان دهد.

### موردی هم داشتید که برایمان بگویید؟

بله. دانش آموز فوق العاده خوبی داشتم که دوست نداشت با کلاس همراهی کند. بعد از پیگیری متوجه ریشه رفتارش در خانه شدم. خانواده مرتب به او می گفتند تو بزرگی و این کارها مناسب سن تو نیست، بنابراین حاضر نبود در فعالیت هایی که بچه ها به عنوان بازی انجام می دادند، شرکت کند. برای حل این مشکل جلو او آنقدر حرکات کودکانه انجام دادم تا در نهایت این احساس را در او عوض کردم.

### چه لذت بخش است که بتوانی حتی برای یک نفر راه گشا باشی. برای تکلیف های که در منزل یا کلاس می دهید معیار خاصی دارید؟

شاید تکلیف ها شبیه به هم باشد ولی انتظارم از هر کدام متفاوت است. البته باید هر فعالیتی مثل کاردستی یا کارهای دیگر که در کلاس انجام می شود در دفتر بچه ها باشد و همه خانواده ها نیز این انتظار را دارند. اما من توقع ندارم، کسی که دست ورزی اش خوب نیست، این کار را عالی انجام دهد. خودم از تمرین های ساده تر شروع می کنم و با خانواده این موضوع را در جریان می گذارم.

### برای مدیریت کلاس الگوی خاصی دارید؟ (مثلا الگوپذیری از مدرسه، معلم یا سیستم آموزشی خاصی.)

روش های مورد استفاده من برگرفته از مدرسه و چیزهایی است که در آموزش یاد گرفته ام. من از روش هایی مثل بارش فکری، پرسش و پاسخ، نمایش و قصه در تدریس استفاده می کنم. اما از نظر رفتاری با احساسات و عواطف وارد می شوم و از این طریق سعی می کنم به آن ها انگیزه بدهم و محیطی شاد به وجود آورم. چون می دانم تا بچه ها شاد نباشند، هیچ آموزشی اتفاق نمی افتد.

### یکی از مسائل معلمی دانش آموزان بیش فعال یا گوشه گیر هستند، شما چه شیوه ای برای حل مشکل آن ها دارید؟

مثالی در مورد گوشه گیرها می زنم. در حین انجام پروژه های علوم دیدم، بعضی بچه ها که از لحاظ کلامی یا اعتماد به نفس مشکل دارند از فعالیت کناره می گیرند. پس ترتیبی دادم موضوع مورد علاقه اش را انتخاب و هر کدام در نقش معلم، آن را تدریس کنند. در این بین اگر بچه ای قدرت کلام خوبی نداشت، تلاش می کرد خوب باشد.

چقدر خوب است که معلم بتواند پراثری باشد و با انگیزه سر کلاس برود. حس می کنم این گونه دچار روزمرگی نمی شود و هر روز برای آمدن فردا لحظه شماری می کند.

چون دوست داشتم در آن نقش خودش را باور کند، خودم هم یک دانش آموز می شدم و بچه ها او را خانم فلانی صدا می کردند نه با اسم کوچک. سعی می کردم سخت گیری در کار نباشد که در زمان معین حتما کار تمام شود. به این ترتیب کم کم بچه های گوشه گیر تا آخر سال داوطلب نقش معلمی می شدند. به نظر من هر زمان که بچه ها را کشف و بتوانیم با آن ها هم کاری کنیم فرقی ندارد، حتی اگر آخر سال باشد.

سعی می کردم سخت گیری در کار نباشد که در زمان معین حتما کار تمام شود. به این ترتیب کم کم بچه های گوشه گیر تا آخر سال داوطلب نقش معلمی می شدند. به نظر من هر زمان که بچه ها را کشف و بتوانیم با آن ها هم کاری کنیم فرقی ندارد، حتی اگر آخر سال باشد.

### با دانش آموزان بیش فعال چطور برخورد می کنید؟

بیش فعال ها چون صبر و حوصله ندارند زودتر پیش قدم می شوند و نتیجه خیلی برای آن ها مهم نیست. بیشتر عجله شروع کار را دارند تا اتمام آن. در کار با آن ها صبر می کنم تا کم کم با کلاس هماهنگ شوند. همچنین کارهایی را برای تخلیه انرژی نوآموزان در نظر می گیرم

تا کمتر تحت فشار قرار بگیرند. بعد از مدتی با انجام فعالیت های مختلف مشخص می شود به چه کارهایی علاقه مند هستند یا چه کارهایی اذیتشان می کند که باعث برهم ریختن نظم می شوند. همین بچه ها وقتی احساس نزدیکی کنند همراه می شوند، مگر در مواردی که دست خودشان نیست. به نظرم درک بیش فعال ها خیلی مفیدتر از دادن یک خط مشخص به آن ها است.

### ویژگی بارز کلاس شما چیست؟

داشتن آرامش و انرژی. به نظرم بچه ها تفاوت کلاسی که رفتار معلم سخت گیرانه باشد را با کلاس آرام و فعال متوجه می شوند. من برای اینکه کلاس یکنواخت نباشد با انرژی وارد کلاس می شوم که بازخوردش را هم می بینم. جایی که لازم باشد، حتی وسط کلاس زنگ تفریح می گذارم و با فعالیت ورزشی یا شیطنت هایی مثل روی میز زدن جوکلاس را عوض می کنم.

به نظرم درک بیش فعال ها خیلی مفیدتر از دادن یک خط مشخص به آن ها است.

### به نظرتان هرکسی می تواند معلم خوبی شود یا حتما باید استعداد و علاقه خاصی داشته باشد؟

تفاوت های فردی علاوه بر دانش آموزان بین معلمان نیز وجود دارد. ممکن است معلمی که به شیوه سنتی آموزش دیده کلاسش را هم به همین شکل و بدون خلاقیت اداره کند؛ یا معلمی باشد که هر چند با روش سنتی آموزش دیده، ولی روش هایی که اثر مثبت دارد را بپذیرد و اعمال کند. من تغییرات را می پذیرم، چون فکر می کنم، بچه ها بیشتر نیاز به پرورش دارند تا آموزش.



بخندد یا بچه‌ها مسخره کنند؛ چون نظر آن‌ها هرچند به‌نظر پیش‌پا افتاده باشد در تدریس برای من مهم است. همچنین معتقدم مهم آن است که متفاوت فکر کنند، نه شبیه به‌هم.

**چقدر به تفاوت‌های فردی و اینکه هر دانش‌آموز استعداد خاصی برای ارائه دارد، اهمیت می‌دهید؟**  
تفاوت‌های فردی بحث امروز نیست و بهترین تعریف در این شعر مولوی آمده است:

«هرکسی را بهر کاری ساختند / میل آن‌را در دلش انداختند»  
باید واقعا در عمل بپذیریم انسان‌ها متفاوت هستند نه فقط در حرف. بین معلم و کارخانه‌داری که ماشین لباس‌شویی، یخچال یا کالایی دیگر تولید می‌کند، تفاوت است. کارخانه کالاهایش را با مشخصات ثابت تولید می‌کند، اما یک معلم اگر ۳۰ دانش‌آموز داشته باشد، با ۳۰ قالب متفاوت که هیچ‌کدام شبیه به‌هم نیستند، سروکار دارد. پس تمام افراد کلاس از نظر بهره‌هوشی، استعداد، میزان تجربیات، علایق، مسائل فرهنگی و... باهم تفاوت دارند.

اینکه چگونه، راهکارهای خاص خودش را دارد. اگر ما مکانیک باشیم و تنها یک آچار برای کار با پیچ‌های مختلف داشته باشیم، دستمان بسته است. خب معلمی هم، همین‌طور است اگر بگوییم حالا روش تدریس من این است، شاید ۲۰ درصد برای بچه‌ها جواب دهد، اما در واقع ۸۰ درصد آن‌ها در آموزش می‌مانند که باید جایی دیگر درگیر شوند. بهتر است در تدریس‌مان تنوع باشد هر بار بگوییم یک کار مثل کنفرانس، تحقیق، مشورت گروهی یا هر روش دیگری را برای چیزی که امروز یاد گرفته‌اید، به‌کار گیرید. با همه این تفاسیر ممکن است دانش‌آموزی در جمع خوب یاد نگیرد این ویژگی او هست که می‌تواند ناشی از مشکلات عاطفی یا خجالت کشیدن باشد. این دانش‌آموزان را به‌صورت تکی آموزش می‌دهیم، اگر دیدیم در کلاس امکانش نیست، در زنگ‌های تفریح، با روش‌های مختلف می‌توان ویژگی‌های دانش‌آموز و انتظارات خودمان را به او منتقل کنیم. گاهی خصوصی به او بگوییم، متشکرم از اینکه داری تلاش می‌کنی. تنها به شاگردان اول و دوم بها ندهیم و آن‌ها را بزرگ نکنیم.

### ارتباط شما با والدین چگونه است؟

اگر معلمی بخواهد موفق شود باید این رابطه را قوی کند، نمی‌توان گفت من با روش خودم پیش می‌روم و کاری به والدین ندارم. در درجه اول، باید والدین از طریق معلم یا دیگر مسئولین، توجیه شوند که ویژگی‌ها و اهداف مدرسه و معلم چیست. خانواده می‌بایست متوجه اتفاقات پیش‌رو

ما معلمی را انتخاب کردیم و نباید به‌خاطر سخت بودن یا میزان حقوق بگوییم من هم به همان اندازه کار می‌کنم، این فکر اشتباهی است. اگر این کارها را نمی‌خواهم انجام دهم، بهتر است آن را رها کنم.

## در مورد دوران کودکی‌تان، به‌نظرتان در دوران دانش‌آموزی و کودکی عواملی مانند خانواده، معلم و مدرسه در کشف استعداد‌های شما نقشی داشته‌اند؟

به‌نظرم تا زمانی که مدرسه، معلم و خانواده هم‌گام نباشند هیچ‌وقت یک بچه نمی‌تواند به رشد و بالندگی برسد. در مورد خودم آرامشی که در دوران دبستان داشتم حاصل رقابت همراه با رفاقت بود. در خانه هم بحث مقایسه یا اینکه بخواهند جلوی فعالیت‌های من را بگیرند، نبود. نمی‌دانم می‌شود اسم من را خلاق گذاشت یا نه، اما خانواده و مدرسه در اینکه امروز به‌راحتی تغییرات را می‌پذیرم، بی‌تاثیر نبوده است.

**حرف پایانی:** من حس می‌کنم یک معلم باید عاشق دانش‌آموز و مدرسه باشد. اگر زمانی این عشق نباشد، کلاس برای معلم و دانش‌آموز قابل تحمل نیست. چقدر خوب است که معلم بتواند پراورزی باشد و با انگیزه سر کلاس برود. حس می‌کنم این‌گونه دچار روزمرگی نمی‌شود و هر روز برای آمدن فردا لحظه‌شماری می‌کند.

## حسن دهقان دبستان پسرانه ناحیه ۱

### در کلاس با چه عنوانی حاضر می‌شوید؟



سعی می‌کنم رفتارم نه خیلی صمیمانه باشد که احساس کنند برابر هستیم و تفاوتی نداریم، نه به شکلی باشد که فضا را زمخت کند و باعث ایجاد دلهره شود. برای ورود به کلاس حتما در می‌زنم حتی اگر در باز باشد، طوری رفتار نمی‌کنم که حالت مچ‌گیری داشته باشد. گاهی نیز قبل از دانش‌آموزان در کلاس حاضر می‌شوم و به استقبال دانش‌آموزان می‌روم یا بعضی زنگ‌های تفریح در کلاس می‌مانم.

### پس شما بیشتر به‌عنوان یک معلم سر کلاس هستید؟

تقریبا. می‌توان گفت معلمی که دوست بچه‌ها است، نه معلمی که دانش‌آموزان از او بترسند. ولی نمی‌گذارم احساس کنند من با دوستشان فرقی ندارم. ما در مقام معلم باید برای بچه‌ها الگو مناسبی باشیم. اگر بخواهیم تند و پرخاشگرانه رفتار کنیم و خود را بالاتر یا جدا از آن‌ها بگیریم، به بچه‌ها احساس منفی دست می‌دهد. بنابراین باید رفتارمان طوری باشد که جامعه و ما از بچه‌ها انتظار داریم، چون آن‌ها از ما تاسی می‌کنند.

### ویژگی بارز کلاس شما چیست؟

بچه‌ها راحت می‌توانند ابراز نظر کنند. این‌طور نیست که احساس ضعف داشته باشند و بگویند، نه حالا این حرف را بزنم شاید آقا

اینکه چگونه، راهکارهای خاص خودش را دارد. اگر ما مکانیک باشیم و تنها یک آچار برای کار با پیچ‌های مختلف داشته باشیم، دستمان بسته است. خب معلمی هم، همین‌طور است اگر بگوییم حالا روش تدریس من این است، شاید ۲۰ درصد برای بچه‌ها جواب دهد، اما در واقع ۸۰ درصد آن‌ها در آموزش می‌مانند که باید جایی دیگر درگیر شوند.

داریم که اگر معلمی نکنیم، سوخت می‌شوند. ما معلمی را انتخاب کردیم و نباید سخت بودن کار یا میزان حقوق را ملاک تلاش خود قرار دهیم می‌کنم، این فکر اشتباهی است. اگر این کارها را نمی‌خواهم انجام دهم، بهتر است آن را رها کنم.

و عواقب کاری که از فرزندان خود انتظار دارد، باشد. متأسفانه بعضی از والدین به فرزند خود می‌گویند، تو باید مثل دایی و عمو، مهندس، خلبان و دکتر شوی، چون فضا آموزشی است فقط روی درس بچه‌ها تأکید می‌کنند؛ تنها آموزش و رتبه برایشان اهمیت دارد. ما وظیفه داریم، به آن‌ها نکات مثبت و قوت فرزندشان را بگوییم و ایده بدهیم که چگونه می‌توانند فرزند خود را با توجه به استعدادهایش در مسیر درست هدایت کنند. هم‌چنین یادآور شویم که دانش‌آموزان را تنها می‌توان با خودشان، نه با دیگران مقایسه کرد.

### شما دانش‌آموزان مختلفی به لحاظ رفتاری دارید در مورد پیش‌فعال‌ها و گوشه‌گیرها، چه شیوه‌ای دارید؟

در هر دو مورد ابتدا مشکل را ریشه‌یابی می‌کنم. سپس راهکارهایی را برای برخورد با آنان در نظر می‌گیرم. بعضی از هم‌کاران به دانش‌آموز پیش‌فعال خود می‌گفتند، دور حیاط مدرسه بدون و بعد به کلاس بیایند. در مورد این دانش‌آموزان فهمیدن و تشخیص خیلی مهم است چون انگ زدن به دانش‌آموز باعث ضربه بیشتر می‌شود. برای گوشه‌گیرها هم روی ویژگی خوبشان دست بگذاریم و کارهایی به آن‌ها بدهیم که بتوانند انجام و خودشان را نشان دهند. هم‌چنین بفهمند هیچ‌کس هم که نباشد معلم آن‌ها را می‌بیند، اهمیت می‌دهد، و مواظب رفتار بقیه دانش‌آموزان با آن‌ها باشیم.

### در تکالیفی که به بچه‌ها می‌دهید، تفاوت قائل می‌شوید؟

اینکه بگوییم همیشه، هر روز، هر جلسه‌ای نه! اما مثلاً اگر روزی مبحث ما چشم باشد به بچه‌ها می‌گوییم می‌توانید ماکت چشم را بسازید، تصویرش را بکشید یا داستانی که راجع به چشم می‌گوییم را کامل کنید. از بین این‌ها می‌خواهم دو یا سه مورد را انجام دهند، که هر دانش‌آموز به سمت علایق خود برود. بعد، وقتی تکالیف را آوردند برای مثال، بگوییم ببین ماکت این‌طور ساخته می‌شود و اگر در زمینه‌ای مهارت ندارند، تقویت‌شان کنم.

### در دوران کودکی و دانش‌آموزی چه عواملی شما را به سمت کشف استعدادهایتان هدایت کردند، خانواده، مدرسه یا...؟

من در روستا بزرگ شدم، فکر می‌کنم آن طبیعت بکر خیلی در من اثر داشت. اما معلم‌هایم آن‌طور که باید و شاید نتوانستند اثر بگذارند. در کلاس سطح بسیار پایینی داشتیم، درس را رها کردم اما بعدها شرایطی به‌وجود آمد که من و هم‌سرم هر دو توانستیم با هم درس بخوانیم و با تشویق اساتید پیشرفت کنیم. معلمان من شاید کار بدی نکردند، اما ما باید از گذشته فاصله بگیریم، از روش‌های جدید استفاده و به سمت کامل شدن حرکت کنیم. سپس، وظیفه خود را انجام دهیم.

در جمع‌بندی می‌خواهم بگویم:

سوزن کوچک کاری انجام می‌دهد که نیزه بزرگ نمی‌تواند، حواسمان باشد دانش‌آموزان قربانی بی‌توجهی ما نشوند.

تنها به شاگردان اول و دوم بها ندهیم و آن‌ها را بزرگ نکنیم.

### رفتارناتان در آغاز روز تحصیلی چه تاثیری می‌تواند بردانش‌آموزان داشته باشد؟

مثل ملاقات دو نفر که دفعه اول هست یکدیگر را می‌بینند، برخورد اول معلم هم با دانش‌آموز مهم است. چه بگوییم، چطور راه برویم، چطور حرف بزنیم،

معلمی به‌درد کسی می‌خورد که بی‌نهایت بودن را خواسته باشد. کسی که بخواهد معلمی کند و معلم خوبی باشد باید همیشه رو به جلو برود.

دست و سر را چگونه حرکت دهیم، به چه کسی نگاه کنیم. برای مثال، من در اولین روز قصه‌ای با مفهوم تلاش و کوشش، مثل، قصه سقراط و دانشمند شدنش را تعریف، و اشاره می‌کنم باید در طول سال دوستان خوبی برای هم باشیم تا به موفقیت برسیم. برخی معلمان فکر می‌کنند ورود و برخورد با یک جذبه خاص باعث می‌شود بچه‌ها تا آخر سال حساب کار خود را بکنند که به‌نظرم اشتباه است. یادمان نرود برخورد اول ما، سال‌ها در یاد و خاطره بچه‌ها می‌ماند.

### شما برای مدیریت کلاستان الگوی خاصی دارید؟ (به‌عنوان مثال الگوپذیری از مدرسه، معلم یا سیستم آموزشی خاص.)

اینکه بگوییم یک سیستم خاصی مد نظر من نیست! بسته به دانش‌آموزان و اینکه از چه نوعی هستند مدیریت می‌کنم.

### برای معلم شدن باید استعداد خاصی داشت یا هرکسی می‌تواند معلم خوبی شود؟

معلمی به‌درد کسی می‌خورد که بی‌نهایت بودن را خواسته باشد. کسی که بخواهد معلمی کند و معلم خوبی باشد باید همیشه رو به جلو برود. اینکه بگوییم من ۵ سال سابقه کار دارم و رشته معلمی خواندم پس دیگر نیازی به مطالعه ندارم، این‌ها کافی نیست. واقعیت این است، هر سال که به عقب نگاه می‌کنیم متوجه اشکالات کارمان می‌شویم و می‌فهمیم خیلی از آن‌ها برطرف شده و خیلی هنوز باقی هستند. ما سرمایه‌هایی در اختیار